

تحلیل تربیتی احکام فقهی زن و خانواده از منظر آیت الله محسنی ره

□ محمد احسانی *

چکیده

مقاله حاضر با موضوع «تحلیل تربیتی احکام فقهی زن و خانواده» مبتنی بر متون دینی و یافته های علوم جدید و با رویکرد تربیتی، به منظور تبیین احکام فقهی مربوط به زن و خانواده از منظر آیت الله محسنی به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده که با مراجعه به منابع مورد نیاز، فیش برداری، گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در فضای کتاب خانه به مرحله اجرا درآمده است. هدف عمده مقاله تبیین دیدگاه آیت الله محسنی در حوزه-های پیش گفته و تحلیل آنها از نظر تربیتی است که با زبان ساده و سلیس تحریر یافته است. در این مقاله بعد از تبیین مفاهیم کلیدی و بیان امور کلی مربوط به موضوع، رویکردهای نظری در مورد زن و خانواده بررسی شده که عبارتند از رویکرد فیمینستی، رویکرد افراطی و رویکرد اعتدالی. دیدگاه آیت الله محسنی جزو رویکرد سوم قرار گرفته است. سپس احکام فقهی زن و خانواده مطرح شده است. این احکام در حوزه تفاوت های زن و مرد، تعدد زوجات، روابط زن و شوهر، تحصیل زنان شوهر دار و ورود زنان به مسائل اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفته و هر کدام با استناد به کلمات آیت الله محسنی به صورت مستقل مورد بحث و تحلیل تربیتی قرار گرفته است.

کلید واژگان: تربیت، تحلیل تربیتی، احکام فقهی، زن، خانواده.

مقدمه

زن و خانواده دو واژه مرتبط به هم هستند، به نحوی که بدون یکدیگر نمی‌توانند مصداق عینی و هویت واقعی پیدا کنند. هرگاه سخن از خانواده به میان آید، رکن اصلی آن را زن تشکیل می‌دهد و اگر مفهوم و کارکرد زن را مورد توجه قرار دهد، ناگزیر در قالب خانواده باید به واکاوی آن پرداخت. چرا که زن از یک سو، عامل اساسی در شکل‌گیری نهاد خانواده است و هیچ خانواده‌ای به معنای واقعی کلمه بدون زن محقق نمی‌شود. از سوی دیگر خانواده محل ظهور و بروز تواناییهای زن در زمینه اداره امور مربوطه، خانه‌داری، شوهر‌داری و تربیت اولاد است. این ارتباط عمیق مصداقی و کاربردی باعث شده تا در این مقاله در کنارهم موضوع نوشتار قرار گیرد. براین اساس، فقه اسلامی درباره زن و خانواده مسائل مورد ابتلای بسیاری را طرح و حکم آنها را بیان کرده است. هر کدام از فقها و مراجع بزرگوار به بیان احکام فقهی زن و خانواده پرداخته‌اند. از جمله آیت الله محسنی بدون ادعای مرجعیت به تبیین بخشهای زیادی از این احکام ورود داشته که با استفاده از آثار ایشان مخصوصاً «توضیح المسائل سیاسی» و «زن در شریعت اسلامی» نظریات آیت الله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوال اصلی پژوهش این است که احکام فقهی زن و خانواده از منظر آیت الله محسنی کدامند؟ پرسشهای فرعی برآمده از این سوال اصلی به شرح زیر است: (۱) دیدگاه فقهی آیت الله در مورد تفاوت‌های زن و مرد چیست؟ (۲) نظریه فقهی آیت الله در زمینه تعدد زوجات چیست؟ (۳) نظر آیت الله درباره روابط زن و شوهر چیست؟ (۴) از نظر آیت الله تحصیل زن شوهر دار چه حکمی دارد؟ (۵) ورود زنان خاندان به مسائل اجتماعی به نظر آیت الله چگونه است؟

هدف مقاله پاسخ‌گویی مناسب به این سوالات و تحلیل هر حکم فقهی مربوط به زن و خانواده از نظر تربیتی است که با استناد به آثار آیت الله محسنی و به ویژه کتاب وزین «زن در شریعت اسلامی» انجام می‌گیرد. ضرورت این تحقیق با توجه به کاربردی بودن آن روشن است و با جستجویی که به عمل آمد، مشابه این کار هم انجام نیافته است. بنابراین، این موضوع کاری است نو و کاربردی و به مناسبت دومین سالگرد ارتحال عالم ربانی حضرت آیت الله محسنی انجام می‌شود. در این مقاله

مفهوم شناسی واژگان اصلی، تبیین رویکردهای نظری و احکام فقهی زن و خانواده در ۵ موضوع تفاوت‌های زن و مرد، تعدد زوجات، روابط زن و شوهر، تحصیل زنان شوهر دار و ورود زنان به مسائل اجتماعی از دیدگاه آیت الله محسنی همراه با تحلیل تربیتی هر کدام صورت خواهد گرفت. نکته قابل تذکر اینکه منظور از عبارت ترکیبی «آیت الله» در این مقاله آیت الله محسنی است.

مفهوم شناسی

مفاهیم اصلی به کار رفته در موضوع تحقیق عبارتند از فقه، احکام فقهی، کودک، تربیت، تحلیل تربیتی. با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعریف و بیان مقصود از آنها در آغاز بحث ضروری است. چه اینکه بدون شناخت معنای مورد نظر از کلمات کلیدی، نمی توان مسیر درستی را در پژوهش انتخاب کرد و به نتایج مطلوب دست یافت. از این رو، در این قسمت از نوشتار به شناسایی و تعریف واژگان اساسی به کار رفته در این تحقیق اشاره می-شود. بدین وسیله هم بیان و ارائه مباحث به مخاطبان آسان تر و هم فهم مطالب برای خوانندگان راحت تر می گردد.

۱. خانواده (Family)

کلمه «خانواده» از یک سو، برگردان واژه لاتین (Family) در اصل از ریشه (Familia) به معنای برده و خدمتکار گرفته شده است. (اعزازي: ۱۳۷۶/۱۰) از سوی دیگر، معادل کلمه «أسره» است که به معنای دژ نفوذ ناپذیر و زیر محکم می باشد. (الزحیلی: ۱۴۲۰ق، ص ۱۹) صاحب نظران هر کدام بر اساس تخصص و حوزه کاری خود تعریفی از «خانواده» ارائه داده اند. برخی، خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته، بعضی روابط خویشاوندی و همخونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده اند؛ عده ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی عوامل روانی و جنسیتی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده اند. (فرجاد: ۱۳۷۲، ص ۱۱) منظور از خانواده در این مقاله کوچک ترین تشکل انسانی است که از اجتماع دست کم، یک مرد و زن پدید می آید و اساس همزیستی آن دو را پیوند زناشویی از طریق ازدواج شرعی و قانونی شکل می دهد. این تشکل انسانی، ممکن است در اثر تولد فرزند به تدریج افزایش یابد و افراد بیشتری را شامل گردد.

نکته ی مهم در مورد خانواده استحکام و نفوذ ناپذیری آن در برابر عوامل منفی و موانع تحکیم این نهاد

دینی و اجتماعی است. این ویژگی هم از معنای لغوی، یعنی اُسره و دژ محکم و خلل ناپذیر به دست می آید و هم متخصصان مسائل خانواده بر آن توافق نظر دارند. فرهنگ حاکم بر جوامع بشری در چگونگی شکل گیری و نوع رفتار درون خانوادگی نقش اساسی دارد. (القصیر: ۱۹۹۹م، ص ۳۳) بر این اساس، بنیاد خانواده در فرهنگ اسلام ویژگی هایی دارد متفاوت از آن چه در دیگر فرهنگها و به خصوص فرهنگ غرب مشاهده می شود. چنان که این استحکام خانواده از آیات قرآن به خوبی به دست می آید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) «یکی از نشانه های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و آرامش شما باشد. از این آیه استحکام خانواده به خوبی قابل استفاده است. چرا که اولاً آفرینش همسری از جنس خود انسان دلیل بر سازگاری و زندگی پایدار خانوادگی است و هرگاه همسری از جنس غیر آدمی می بود، میزان سازگاری کاهش پیدا می کرد. ثانیاً بر قراری آرامش در محیط خانواده نشانه تحکیم پایه های خانواده است و گرنه با اختلاف و تزلزل آرامش حاصل نمی شود. بر این اساس، خداوند در آیه دیگر زن و مرد را لباس همدیگر تعبیر کرده می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) زوجین در حکم لباس برای یکدیگرند. این تشبیه دلیل دیگری بر تحکیم خانواده است که زن و شوهر مانند لباس و بدن به هم تنیده اند و به آسانی از یکدیگر جدا نمی شوند.

۲. فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن (موسوعه الفقه الاسلامی: ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۷) و در اصطلاح علم اصول، علم به احکام شرعی است که این احکام وظایف عملی انسان را معین می کند. منظور از فقه همین معنای اصطلاحی است که متکفل تبیین احکام شرعی به صورت فتوا برای مکلفین می باشد که به وسیله فقها بیان شده است. (گرچی: ۱۳۷۷، ص ۷) به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان، به نحوی که برای انسان علم به وظیفه حاصل شود. (مطهری: بی تا، ص ۵۴) در قرآن کریم هم فقه به همین معنا به کار رفته است: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه: ۱۲۲) باید بعضی از شما تفقه در دین کنند، یعنی احکام دین و حلال و حرام الهی را بفهمند تا برای دیگران بیان نمایند. منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه های دلایل اثبات کننده آن، یعنی

قرآن، سنت، عقل و اجماع. (جمال الدین: ۱۳۶۵، ص ۲۶) فقیه در اصطلاح به کسی اطلاق می شود که احکام شرعیه را توسط رأی و اجتهاد خویش از منابع یادشده به دست آورد. (تقوی: ۱۳۷۴، ص ۲۱۱)

۳. احکام فقهی

در شریعت اسلام، هر قانون الهی که وظیفه فرد واجد شرایط تکلیف را بیان کند، «حکم» نامیده می شود. (مطهری: بی - تا، ص ۵۴) بنابراین، هر حکم، مشخص کننده وظیفه ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگان، از آنها انتظار دارد. هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد. منظور از احکام فقهی به صورت هیأت جمع، احکام پنجگانه است که عبارتند از: واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح. این احکام با اجتماع شروط تکلیف شامل همه افراد انسان است و باید به آنها عمل کنند. احکام خمسة هر کدام با مصادیق در منابع فقهی به تفصیل ذکر شده است.

۴. تربیت

واژه «تربیت» تربیت به لحاظ هیئت شناسی، مصدر باب «تفعیل» و حاوی معنای فاعلی است که ارتباط نزدیک با مفهوم «رَبّ» پیدا می کند؛ زیرا به قول راغب «رب» نیز مصدر است و مستعار برای فاعل، یعنی به مربی و کسی اطلاق می شود که فرایند تربیت را در عمل اجرا می کند. چنان که هر جا واژه ی رَبّ در قرآن به کار رفته به معنای تربیت کننده و پرورش دهنده است و این کلمه به صورت مطلق فقط بر خدای متعال به کار می رود. (راغب: ص ۳۳۶) منظور از تربیت در این جا عبارت است از: فرایند یاری رسانی به مربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعداد های او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می گیرد. (اعرافی: ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۱)

هرچند تربیت به معنای یادشده معمولاً به دوره بعد از تولد که می تواند مصداق واقعی مربی باشد اطلاق می شود، ولی از آن جا که دوره جنینی بنیاد و اساس تربیت به حساب می آید، در این دوره هم

تربیت کاربرد پیدا می کند. البته این کاربرد از باب مقدمه تربیت است که در متون اسلامی بر اهمیت آن تأکید شده است. رسول خدا(ص) فرمود: «تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا رگ و ریشه تأثیر گذار است. (هندی: ۱۴۰۱ق، ج ۱۶، ص ۲۹۶، ح ۴۴۵۵۹) همچنین پیامبر اسلام(ص) در دستوری فرمود: «أَطْعُمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا» (طبرسی) ۱۴۲۱ق، ص ۳۶۵) به زن در ماهی که زایمان می کند، خرما بدهید؛ چرا که فرزند او بردبار و پاک می شود. این گونه روایان بیانگر آن است که دوره جنینی از اهمیت ویژه تربیتی برخوردار است و به عنوان مقدمه تربیت توجه به آن ضرورت دارد.

۵. تحلیل تربیتی

عبارت ترکیبی «تحلیل تربیتی» اصطلاحی نسبتاً جدید است که نیاز به تعریف و توضیح دارد. این عبارت شاید اولین بار در مقاله ای با عنوان «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی عرصه ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی» ذکر شده است. این مقاله که به وسیله دکتر علی همت بناری تدوین شده در مجله «مطالعات فقه تربیتی» انتشار یافته است. (بناری، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۶۲) اجمالاً تحلیل تربیتی، تلاشی است عقلانی در زمینه احکام فقهی متکی بر واقعیاتی برگرفته از قرآن، سنت، عقل و تجربه، به منظور بررسی علل، اسرار و حکمت های احکام و نیز ارائه آثار و نتایج تشریع و التزام عملی به احکام فقهی با رویکرد تربیتی در مورد کودکان. (بناری: ۱۳۹۶، ش ۷) تحلیل تربیتی بر اساس ادراکات عقلی، واقعیات به دست آمده از کتاب و سنت، یافته های علوم جدید به خصوص روان شناختی و علوم تربیتی و نیز از طریق بررسی علل و آثار مترتب بر حکم، تحلیل تربیتی حکم فقهی صورت می گیرد. (ر.ک: همانجا)

کلیات

اهمیت تحلیل تربیتی احکام فقهی خانواده

اهمیت تحلیل تربیتی احکام فقهی کودک از دو جهت قابل توجه است: یکی از جهت تربیت و رشد

کودک که با تبیین ابعاد حکم فقهی، ظرفیت هر حکم در زمینه سازی و اثر گذاری بر رشد کودک روشن می شود. مثلاً در روایت مربوط به انتخاب همسر آمده که همسر خوب برگزینید؛ چرا که «فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (الکاشانی: ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۹۳) یعنی رگ و ریشه مادری بر شخصیت کودک تأثیر گذار است. با تحلیل تربیتی علت منصوصه در این روایت به این مطلب اشاره دارد که جوان در حال ازدواج باید زمینه مناسبی برای رشد کودک فراهم سازد تا در اثر اشتباه در انتخاب همسر رشد مطلوب کودک را از بین نبرد. دوم اهمیت تحلیل احکام فقهی کودک از این جهت است که توجه اولیا و مربیان را به ظرفیت و گستره احکام فقهی کودک جلب می کند. ممکن است اولیا و مربیان به حکم فقهی کودک چندان توجه نداشته باشند و به آن اهمیت ندهند، ولی با آگاهی از ابعاد آن حکم و ظرفیتهای آن، نگرش آنان تغییر خواهد یافت. بدین ترتیب به احکام شرعی مربوط به کودک در دوره های مختلف بیشتر توجه نموده به آن عمل می کنند. به عنوان نمونه حکم تحنیک از احکام فقهی کودک است که با تحلیل آن به لحاظ تربیتی موجب، جلب توجه والدین شده آنها را تشویق به انجام آن می کند.

کاربرد تحلیل تربیتی احکام فقهی خانواده

مخاطب بحث تحلیل تربیتی احکام فقهی کودک در واقع اولیا و مربیان و به ویژه پدر و مادر هستند. چه اینکه کودک هر چند محور بحث احکام فقهی است، ولی او در مرحله کودکی قرار دارد، وظیفه ای متوجه او نیست تا فقههای، او را مورد خطاب قرار دهند، بلکه پدر و مادر مخاطب اصلی احکام فقهی کودک هستند. در عین حال کودک در هر دوره، بستری است برای صدور حکم فقهی و با انعقاد نطفه کودک در رحم مادر است که احکام فقهی وظایفی را به پدر و مادر متوجه می سازد. در غیر این صورت، زمینه و موضوعی برای حکم فقهی مرتبط با کودک وجود ندارد تا بر اساس آن فتوایی صادر گردد. از باب مثال دستورات فقهی ذکر شده در روایات اسلامی مبنی بر تغذیه و بهداشت مادر در دوره حاملگی ناظر به سلامت جسمی، روحی و عقلانی، عاطفی و... جنین است و با تحلیل تربیتی تأثیر گذاری عمل به این احکام در شکل گیری و سلامت کودک روشن می شود. بنابراین، تمام احکام فقهی دوره جنینی و کودکی متوجه والدین و اطرافیان کودک است و کارکرد آنها تأمین سلامت جسمی و معنوی کودک می باشد تا یک انسان مؤمن و مفید برای خود، خانواده و جامعه پرورش یابد.

رویکردهای نظری به زن و خانواده

در مورد زنان و خانواده دیدگاههای متعدد و گاه متضاد در حوزه نظری وجود دارند که هر کدام از صاحب نظران، بر اساس اندیشه های فلسفی و دینی خود به دفاع از زن و حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی او در خانواده پرداخته اند. دیدگاههای زیادی درباره زن و خانواده وجود دارند که در این جا به خاطر ارائه بهتر مطالب و همچنین سهولت دریافت آن برای مخاطبان و خوانندگان به مهم ترین رویکردهای نظری که در مورد زنان و خانواده تأثیر گذارند، اشاره می شود. در نهایت دیدگاه آیت الله محسنی در ارتباط با آنها روشن می گردد.

۱. رویکرد فمینیستی

«فمینیسم» (Feminism) اصطلاحی است که نخستین بار چارلز فوریه (Charles Fourier) سوسیالیست قرن نوزدهم میلادی برای دفاع از حقوق زنان به کار برد. در این قرن برای طرفداری از زنان و تساوی حقوق آنان با مردان، جریان فمینیسم پدید آمد. در زبان سیاسی - اجتماعی از فمینیسم با تعبیرهایی چون «نهضت زنان»، «نهضت آزادی زنان»، «جنبش زنان»، یاد می شد. (آنتونی: ۱۳۶۷) فمینیسم به تدریج در قرن بیستم تغییر کرد و رنگ فلسفی - سیاسی به خود گرفت. از آن به بعد به جنبش فکری یا نظریه ای اطلاق می شود که معتقد است زنان در طول تاریخ به علت جنسیت به فرودستی کشیده شده و تبعیض هایی گوناگون بر علیه آنان اعمال شده اند. (آنتونی: ۱۳۶۷) این نگرش بر این باور است که زنان باید به فرصت ها و امکانات مساوی با مردان در تمامی جنبه های خانوادگی، تربیتی، آموزشی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست یابند. امروزه فمینیسم، جریانی است که بر تساوی حقوق زنان و مردان در همه عرصه های زندگی تأکید دارد؛ به نظریات و درخواستهای زنان در جامعه به عنوان یک گروه مؤثر در عرصه زندگی رسمیت می دهد؛ تلاش می کند تا به زنان اقتدار بخشیده نیازهای فردی و اجتماعی آنان را تأمین و حقوق نسوان را تضمین نماید. خلاصه، فرایند فمینیسم از چشم انداز ادبیات غرب، تسهیل و تضمین کننده سهم مساوی زنان با مردان، در تمام حوزه های زندگی است. دانشمندان، جنبشهای فمینیستی را با همه انواع آن، پاسخی به تک جنسیتی یا باورهای مردسالارانه تعبیر و تفسیر کرده اند.

نقد رویکرد فیمینستی

رویکرد فیمینستی در حقیقت یک دیدگاه تفریطی و نگاه ابزار گونه به زن است که زن را از جایگاه واقعی اش پائین آورده و در حد ابزار مادی برای استفاده نا معقول قرار داده است. این نظرگاه، زن را از جایگاه واقعی که خدا به او داده پائین آورده تنها به امور مادی و لذت‌های جسمی محدود ساخته است. این دیدگاه از منظر آیت الله محسنی پذیرفته نیست و اعتباری در مورد زنان و خانواده ندارد. چه اینکه به نظر ایشان اساس زندگی خانوادگی باید بر اساس توحید و خدا باوری شکل گیرد و تمام فعالیت‌های زنان و مردان در محیط خانواده مبتنی بر مبانی دینی باشد، نه اندیشه فیمینستی. چرا که به نظر ایشان: زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان براساس جلب منفعت و دفع ضرر از خود شکل می گیرد. چون هیچ کس نمی‌تواند بدون استفاده از دیگران زندگی خود را اداره کند و ناگزیر باید با انتخاب همسر تشکیل خانواده دهد و با پذیرش افراد دیگر وارد عرصه اجتماع گردد و از منافع جامعه به سود خود بهره برد. این جاست که پیروی از دین مخصوصاً میان زن و شوهر ایجاد محبت می کند و با محبت زندگی آنها هر چه بیشتر پایدارتر و مفیدتر می شود. (محسنی: ۱۳۵۱، ص ۱۹) ایشان در این زمینه می فرماید: دین عامل رهایی انسان، اعم از زن و مرد، از نواقصی مانند کینه و دشمنی در محیط زندگی است و او را با معنویت و علو همت پرورش می دهد. در صحنه اجتماع به برکت علو همت و نظر وسیعی که پیدا می کند، یک مقدار زیادی از عداوتها، بدبینیها و کشمکشها و نزاعها و دعواها که ناشی از امور جزئی مادی در خانه و جامعه هستند بر طرف می شود. (همان، ص ۱۵)

۲. رویکرد افراطی به زن و خانواده

کلمه «إفراط» و «تفریط» هر دو از ریشه «فَرَطَ» و افراط در فرهنگ لغت به معنای زیاده‌روی، عدم تعادل و خروج از میانه و حد اعتدال آمده است. در مقابل، «تفریط» به معنای کوتاهی، غفلت، سهل انگاری و به هم ریختگی به کار رفته است. (آذرتاش: ۱۳۸۱، ص ۵۰۳) افراط و تفریط در واقع هر دو خروج از حط اعتدال است؛ منتهی یکی به خاطر زیاده‌روی و دیگری به جهت کوتاهی در رسیدن به نقطه اعتدال دچار یک جانبه گرایی می شود. هم رویکرد افراط گرایانه و هم تفریط گرایانه به لحاظ اخلاقی و ارزشی تقریباً هر دو در همه زمینه‌ها، در زمره نگرشهای منفی شمرده شده است. چرا که

خروج از اعتدال در فکر و عمل مواجه با آسیب‌هایی است که قابل پیش‌بینی و جبران نخواهد بود. همچنین بیرن شدن از اعتدال در رفتار و عمل کرد زیانبارتر از تفکر انحرافی است. در مورد زنان و خانواده این دو رویکرد وجود دارند، هم تقریب در این زمینه مشاهده می‌شود که رویکرد فیمینستی به نظر نگارنده دیدگاه تقریبی در مورد زنان و نادیده گرفتن شخصیت و حقوق واقعی آنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی است.

منظور از نگرش افراطی در این جا، دیدگاهی است که موانعی در مسیر رشد علمی و فرهنگی و اجتماعی زنان و دختران ایجاد نموده و از تحصیل و فعالیت‌های مشروع و قانونی آنان باز می‌دارد. این رویکرد از آن جا افراطی است در مورد حقوق زنان و زندگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان دچار افراط‌گرایی شده و همه فعالیت‌ها را به روی آنها بسته است. این رویکرد به زنان و خانواده بیشتر از طرف کسانی در افغانستان مطرح و حمایت می‌شود که ادعای اسلامیت خالص دارند و حتی مخالفان افکار خود را به خروج از حوزه اسلام متهم می‌کنند. این رویکرد امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان و پاکستان و دیگر جوامع عربی نفوذ دارد، طرفدار عدم حضور زنان در مجامع عمومی و در نتیجه محدود سازی فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی آنها است. در افغانستان گروه طالبان در واقع طرفدار این نوع رویکرد به زنان است و از آن به شدت دفاع می‌کند. این گروه در عمل هم نشان داده است که متعهد به اجرای محدود کردن فعالیت‌های زنان در جامعه و منحصر کردن آنها در محیط خانواده است. حکومت چند ساله طالبان (۱۹۹۶-۲۰۰۱م) زنان را از حضور در مجامع عمومی و فعالیت‌های اجتماعی منع کرده آنها را در داخل خانه‌ها محدود کردند. همان گونه که در قوانین اجرایی طالبان آمده است. «جای کار زنها در خانه است و جز در وقت ضرورت جدی، حق بیرون شدن از خانه را ندارند. برای زن جواز دارد که امور دینش را در خانه از طریق بعضی محرم‌هایش بیاموزد.» (حقانی: ۱۳۷۷، ص ۱۳۵)

نقد رویکرد افراطی

این رویکرد به هیچ وجه مورد قبول دانشمندان و صاحب نظران مسلمان نیست، چون مخالف صریح قرآن و سنت رسول الله (ص) و ائمه معصومین (ع) و بزرگان دین است. چرا که اسلام و قرآن بر

محوریت توحید در زندگی فردی و خانوادگی انسان تأکید دارد. (نور: ۳۲) دیدگاه افراطی، دیدگاهی است که در جوامع اسلامی و به ویژه افغانستان کم و بیش رواج یافته و اغلب با تفکرات سنتی یا جریانهای سیاسی در آمیخته و در نتیجه دچار یکسو نگری و تدروی در مورد زنان و خانواده شده است. این رویکرد در نوع خود متفاوت از دیگر رویکردها است و اهداف و برنامه های خاصی خود را دنبال می کند. این دیدگاه با نظریات آیت الله محسنی در مورد زن و خانواده سازگاری ندارد، بلکه در تضاد با دیدگاههای ایشان است. چرا که ایشان فعالیت زنان را با حفظ شروط اسلامی جایز می داند و به نظر ایشان زن می تواند در فعالیتهای آموزشی و تربیتی و حتی سیاسی اجتماعی بیرون از خانه مشارکت داشته باشد.

حضرت آیت الله محسنی در مسأله ۲۸۷ توضیح المسائل سیاسی می فرماید: «کار کردن زنان در اموری که عفت و حجاب آنان در خطر نباشد و از نظر فیزیکی مقدور و از نظر روانی برای آنان مشکل نباشد اشکالی ندارد.» (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۱۴۶) مفهوم این کلان این است که زنان در صورت حفظ حجاب و عفت می توانند بیرون از منزل دست به کار شوند. انحصار زنان در فضای خانه یک نگاه افراطی به زن و خانواده است که گروههای تکفیری و طالبان بر این باورند. چنین چیزی نه در اسلام وجود دارد و نه در اندیشه آیت الله محسنی که شواهدی از سخنان ایشان در این زمینه فراوان هستند، ولی به دلیل رعایت اختصار به نمونه ارائه شده بسنده می شود.

۳. رویکرد اعتدالی به زن و خانواده

اسلام نگرش جامع و متوازن به زن و خانواده دارد و همه نیازها و ابعاد مختلف او را مد نظر قرار داده است. از این نظر، زن همانند مرد می تواند در جامعه حضور یابد و به فعالیتهای تربیتی و اجتماعی پرداخته به آن ادامه دهد. اسلام دیدگاه متعادل و واقع بینانه به زن و خانواده دارد، دیدگاه تخیلی و همراه با توهم و بدون واقعیت. به گونه ای که هم توجه به نیازهای زن و خانواده دارد و هم وی را از ابعاد مختلف پرورش می دهد. از آن جا که بیش از ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان هستند و از مکتب اسلام پیروی می کنند، این نگرش بیشتر در میان آنان مورد قبول است و در زندگی کاربرد دارد. چرا که هم با فرهنگ بومی آنان سازگار است و هم با خصوصیات دینی و اسلامی آنها تطابق دارد. براین

اساس، خاستگاه نگرش معتدل در افغانستان، تعهد مردم آن سرزمین به اسلام و قرآن بوده است. آیت الله محسنی ره دقیقاً همین رویکرد اعتدالی را به زن و خانواده دارد و این مطلب از آثار علمی و سیره عملی ایشان نسبت به زنان و خانواده به خوبی بر می آید. ایشان در مورد تفاوت حقوق زن و مرد در مسأله ۱۶۰ توضیح المسائل سیاسی می فرماید: «حقوق زن و مرد و مسئولیت های آنان یکسان است مگر در موردی که دین به علت تفاوت های فیزیکی یا روانی زن و مرد، طور دیگری دستور داده باشد. (همان، ص ۱۰۳) اصل در حقوق زن و مرد به نظر آیت الله محسنی تساوی است، مگر اینگه ثابت شود که خداوند دستور به تفاوت داده باشد. این تفاوت در حق و حقوق در واقع برخاسته از تفاوت های فیزیکی و روانی زن و مرد است که خدای متعال طبق اقتضای طبیعت آن دو حکم کرده است. مثلاً نفقه زن را بر مرد واجب قرار داده، به خاطر اینکه توان جسمی مرد در تأمین هزینه زندگی بهتر از زن است. ایشان در مسأله ۱۶۱ این گونه می نویسد: «تساوی زن و شوهر به ضرر زن است، مهر و نفقه زن و لباس و مسکن و تداوی که همه حق زن بر شوهر است از بین می رود که ضرر جبران ناپذیری است، در بسیاری از کشورها برای جمع کثیری از مردان و غالب زنان کار پیدا نمی شود ولی اسلام زنان شوهردار را بیمه کرده است و حواجی زن به عهده شوهرش قرار گرفته است.» (همان جا)

احکام فقهی زن و خانواده

در این بخش از نوشتار که آغاز مطالب اصلی مقاله است به برخی از احکام فقهی زن و خانواده اشاره می شود که از منظر آیت الله محسنی مورد قبول و دارای اهمیت به نظر می رسد. البته احکام فقهی زن و خانواده بسیار مفصل است و در منابع مربوطه به تفصیل بیان شده و در این فرصت کوتاه نمی توان به همه آنها پرداخت، ولی با این حال سعی بر آن است که چند مطلب اساسی در این مورد از کتاب وزین «زن در شریعت اسلامی» تألیف حضرت آیت الله محسنی و دیگر آثار ایشان، مورد بررسی و از نظر تربیتی تحلیل قرار گیرد.

الف) تفاوت های زن و مرد

نخستین موضوعی که در ارتباط با زن و خانواده حایز اهمیت است و در کتاب یادشده بیان شده،

تفاوت‌های زن و مرد است. این مطلب در فصل دوم کتاب زن در شریعت اسلامی ذکر و به صورت مفصل به آن پرداخته شده است. به دو نوع تفاوت جسمی و روانی اشاره شده که ۲۱ مورد تفاوت بدنی زن و مرد به صورت مستقل بیان شده است. (محسنی: ۱۳۹۱، فصل-دوم) در همین فصل، ۲۳ نمونه از تفاوت‌های روانی زن و مرد ذکر شده که هر کدام به نوبه خود در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی تأثیر گذار است. (همان جا) در مجموع به نظر آیت الله محسنی تفاوت‌های زن و مرد عامل ارزشمندی یکی و موجب نقص دیگری نیست، بلکه جنس زن و مرد هر دو به لحاظ آفرینش بدون نقص هستند و بر این اساس نمی توان گفت یکی بهتر از دیگری است. ایشان با استناد به آیه ۳ سوره ملک «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُتٍ» در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی؛ حکم به عدم ارتباط تفاوت‌های یاد شده با نقص و کمال مرد و زن کرده است. (همان جا)

تحلیل تربیتی

موضوع تفاوت‌های زن و مرد در دو نوع جسمی و روانی از نظر تربیتی و همچنین به لحاظ فقهی جای تحلیل بسیار دارد و از چند جهت قابل بررسی است. در این جا به صورت فشرده به مهم ترین آنها اشاره می شود.

۱. تفاوت‌های زن و مرد زمینه ساز تشکیل خانواده

نخستین حکمت تفاوت‌های زن و مرد شکل گیری نهاد خانواده است که اساس ازدواج و تشکیل خانواده مبتنی بر همین تفاوتها است. تفاوت جنسیتی و تفاوت‌های اندامی زن و مرد عامل اساسی در پیدایش خانواده است. این موضوع به لحاظ تربیتی فوق العاده دارای اهمیت است. زیرا بدون تشکیل خانواده و تولید فرزند اولاً نسل بشر به انقراض می رود؛ ثانیاً هیچ کانونی به نام مرکز تربیت پدید نخواهد آمد. خداوند بر اساس همین تفاوتها، در طبیعت زن و مرد نیازهایی قرار داده که در زمان رشد و شکوفایی، آنها را به هم نزدیک می کنند. با احساس نیازهای غریزی، عاطفی و رفتاری دختر و پسر گرایش به ازدواج پیدا می کنند، مسئولیت پذیر می شوند و وظایف زناشویی را با میل و رغبت می پذیرند. چنان که آیت الله محسنی به این مطلب این گونه اشاره دارد: «اگر هر دو یکسان می بودند هیچگاه باهم جوش نمی خوردند و تناسل از تسلسل خود می-افتاد و زندگانی خانوادگی تحقق یا دوام نمی یافت و

شیرینی زندگانی به تلخی تبدیل می شد.» (همان جا)

همان گونه که آیت الله اشاره کرد، شیرینی زندگی خانواده ناشی از رفع نیازهایی است که به وسیله تفاوت‌های فیزیکی و روانی در زن و شوهر وجود دارد. این نیازها محبت را میان آن دو افزایش می دهد و رابطه ایشان را تقویت و تا حد ایثار و فداکاری برای دفاع از همدیگر پیش می برد. به نظر آیت الله: «و هیچگاه بین زن و شوهر -ولو با مصرف کردن تمام آنچه در روی زمین است- الفت پدید نمی آمد، ولی خداوند در اثر همین تفاوتها الفت و محبت و اتصال را بین آنان ایجاد فرموده است.» (همان جا) این کلام بسیار جالب و مطابق با واقعیت زندگی خانوادگی است که هر کس می تواند در حیات خویش تجربه کند و حقیقتاً این گونه است که نیازهای غریزی و روانی منشأ جوشش محبت میان زن و شوهر است. از این -رو، در آیات و روایات به حسن رفتار زن و مرد در فضای خانواده توصیه شده است. حتی در روایتی رفتار نیکو با شوهر را به منزله جهاد در راه معرفی کرده است. رسول خدا (ص) در پاسخ به سوالی در مورد محروم بودن زنان از ثوابهایی که مردان از جهاد می برند، فرمود: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعِلِ» (العاملی: ج ۱۱، ص ۱۵) جهاد زنان، نیکو همسر داری کردن است.

ازدواج و تشکیل خانواده اقتضای طبیعت انسانی است که به صورت فطری و ذاتی گرایش به آن در نهاد بشر نهفته است و یک روند طبیعی را طی می کند. یعنی دو جنس مخالف پسر و دختر بر اساس نیازهای طبیعی با اراده و اختیار به همسر گزینی روی می آورند و سرانجام با همدیگر وصلت می کنند. چه اینکه قرآن کریم هم به این موضوع اشاره کرده می -فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان تان مودت و رحمت قرار داد. از این آیه ازدواج زن و مرد امر طبیعی و مطابق خلقت معرفی شده که هدف آن ایجاد آرامش آن دو در کانون خانواده است. این ازدواج به خاطر تأمین کردن بسیاری از نیازهای زن و مرد عامل مهم در ایجاد مودت و رحمت میان آنان است. به هر صورت، تفاوت‌های زن و مرد در بُعد جسمی و روانی آثار تربیتی فراوانی به همراه دارد که تشکیل خانواده، ایجاد محبت و استحکام نظام خانواده از جمله آنها است. این آثار قطعاً در اجتماع دو همجنس، اعم از دو زن یا دو مرد که امروزه در دنیای غرب رایج شده، مترتب نیست؛ چون این کار، برخلاف قانون الهی و زیرپا گذاشتن اقتضای طبیعت انسانی است.

۲. تفاوت‌های زن و مرد موضوع احکام فقهی

نکته مهم در وجود تفاوت‌های زن و مرد این که این تفاوت‌ها موضوع سازند برای صدور احکام فقهی در محیط خانواده. بدین معنا که هر کدام از تفاوت‌ها موضوعی برای حکم فقهی می‌سازد و با تحقق موضوع حکم بر آن مترتب می‌شود. مثلاً قوی بودن نیروی جسمی مرد موضوع است برای حکم فقهی وجوب نفقه زن و اولاد بر مرد و پدر فرزندان و همچنین مدیریت امور خانواده بر عهده اوست. چنان که آیت الله در این زمینه می‌فرماید: «بلی آنچه که قابل انکار نیست، این است که قوت بدنی مرد بیشتر از زن است و همین امر مسئولیت مرد را در تنظیم زندگانی اجتماعی بیشتر می‌سازد.» (همانجا) مسئولیت تنظیم زندگی عبارت از تأمین نفقه و هزینه اهل و عیال است که در فقه اسلامی بر مرد واجب می‌باشد.

مدیریت خانواده از دیگر احکامی است که بر توان جسمی مرد مترتب شده است و شاید در قرآن کریم به همین دلیل او را سرپرست خانواده معرفی کرده می‌فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نسا: ۳۴) مردان سرپرست زنان اند به سبب برتری داشتن و انفاق نمودن مالهای شان. آیت الله محسنی در تفسیر این آیه، قوت بدنی و رشد عقلانی مرد را از برتریهای مورد اشاره آیه دانسته می‌فرماید: «وظاهراً همین دو امر، مراد قرآن مجید از برتری مردان بر زنان است.» (همانجا) دو تفاوتی که برای حکم فقهی اداره و نفقه خانواده موضوع سازی کرده اند.

در مقابل، برخی از تفاوت‌های زن نسبت به مرد موضوع احکام فقهی مربوط به آنان قرار گرفته است. از باب مثال احساسی بودن، سرعت هیجان، بی ثباتی و جوشان بودن عواطف و نیز رقت قلب بیشتر جنس زن، موضوع شده برای لزوم ولایت پدر و جد پدری بر دختران در امر ازدواج آنان که آنها بدون اذن ولی نمی‌توانند تشکیل خانواده دهند. (همان: فصل ۲ و ۳) چنان که آیت الله محسنی در این مورد بیان می‌دارد: «به هر حال اعتبار اذن پدر در نکاح باکره، قرار دادن دختر به خاطر کم تجربه گی او در اختیار همسر در حمایت قانون است تا در تعیین سرنوشت آینده خود به یک لبخند و یا چند جمله شیرین جوانان فریبکار نلغزد، پدر تجربه بیشتری دارد که مسلماً بر اساس محبت زیاد خود، منافع و سعادت دخترش را بهتر می‌تواند تأمین نماید و استیذان مذکور مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای شخصیت زن نیست.» (همان، ص ۲۶) ولایت بر دختر و شرط بودن اذن ولی در ازدواج در جهت

مصالح اوست، چون دختران در اثر صفات روانی مانند رقیق بودن قلب و انعطاف پذیری بیشتر نسبت به پسران در معرض آسیب و فریب خوردن قرار دارند و به این دلیل ممکن است در مورد ازدواج واقع را نتواند تشخیص دهند، از این رو ولی باید از او حمایت و وی را راهنمایی نماید.

لطافت بدنی، جذابیت صدا و نیز تنوع طلبی و علاقه مندی به اینکه تحت نظارت کسی قرار گیرد و به اصطلاح تکیه گاهی داشته باشد، ویژگی‌هایی هستند که موضوع حکم فقهی حجاب را برای زن فراهم می‌کنند. چنان که در کتاب زن در شریعت اسلامی آمده است: «زن علاقه مندتر به زینت و جمال و مُد است. زن تشریفاتی تر و پُرحرف تر است. زن علاقه مندتر به خانه و خانواده است. زن ناتوان تر در حفظ اسرار است.» (همان، ص ۲۰) این ویژگی‌ها به نظر می‌رسد زن را منفعل و تأثیر پذیرتر از مرد نشان می‌دهند که به زودی ممکن است در صورت بی تفاوتی مورد طمع عیاشان قرار گیرد و بر این اساس، می‌بایست خود را از مردان اجنبی مستور بدارد تا از آسیب‌های احتمالی مصون بماند و این، همان حکم حجاب اسلامی است.

آیت الله محسنی در مورد لزوم حجاب زن این گونه بیان می‌دارد: «در فقه اسلامی بر زن واجب است بدن خود را از مرد نامحرم بپوشاند. ولی بنا بر اقوی واجب نیست گردی روی (صورت) و دو دست (از بند دست تا سر انگشتان) خود را بپوشاند. برجستگی بعضی از اعضای بدن او مانند پستانها و رانها آشکارا نباشد که موجب هیجان و شهوت مردان گردد. ولی در برابر شوهر و زنان دیگر هرطوری بخواهد می‌تواند لباس بپوشد، منتهی عورت خود را باید از زنان مستور نماید. ولی در نماز همه بدن خود را به شمول موی سر - حتی اگر نامحرمی هم نباشد - باید بپوشاند.» (محسنی: همان، فصل ۵) این حکم هم در واقع بر ویژگی‌های جسمانی، عاطفی و روانی زن مترتب است که به نفع زنان است تا از آسیب‌های احتمالی مصون باشد و هم به نفع مرد و کل جامعه که با رعایت احکام و اخلاق مشکلی در اجتماع پیش نیاید.

ایشان در زمینه آسیب‌ها و پیامدهای نا مطلوب بی حجابی در غرب می‌گویند: «شاید هیچ کس انکار نکند که برهنگی اندام زن در کوچه و بازار یکی از عوامل مهم مشکلات اجتماعی در غرب است. مرد طبیعتاً به زن علاقه مند است و تمتع بردن از زن از شیرین ترین تمتعات مرد است و زن به خاطر احساساتی که دارد زود تحت تأثیر اظهار دوستی مرد قرار می‌گیرد.» (همانجا)

۳. تفاوت‌های زن و مرد بستر تربیتی

همان گونه اشاره شد، تشکیل خانواده و تولید نسل مبتنی بر تفاوت‌های زن و مرد است که با ازدواج مشروع و قانونی به این امر اقدام می‌کنند. زن و شوهر با تشکیل خانواده و تولد فرزند در کانون گرم خانواده به تربیت فرزند و پرورش جسمی و روحی و روانی او می‌پردازند. تولد و تربیت فرزند در چنین ازدواجی قابل تحقق است، نه در همجنس‌بازی و امثال آن که در مغرب زمین رایج است؛ چون در اجتماع دو همجنس زمینه برای تولید نسل و پرورش اولاد به وجود نمی‌آید. خداوند به صورت طبیعی خصوصیتی را برای زن قرار داده که او بتواند به راحتی فرزند بیاورد و او را تربیت کند؛ کاری که از مرد به هیچ وجه بر نمی‌آید. چه اینکه فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدتهای زنان و وظائف آنان است؛ چون این کار در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند و اوست که رنجهایش را می‌برد و فرزند را تربیت می‌کند. عواطف و احساسات سرشار مادر سبب می‌شود تا کودک را در آغوش بگیرد و برایش لالایی بخواند و او را با آرامی به خواباند. وقتی از خواب بیدار شد پستان به دهن او گذارد و با دستهای مهر و محبت وی را نوازش دهد تا این محبت در تمام وجود فرزند تأثیر گذارد و یک انسان مهربان و با محبت پرورش یابد.

شیر دادن نوزاد نیز مبتنی بر تفاوت‌های زن و مرد است که تنها از زن امکان پذیر است و او می‌تواند بدین طریق به خوبی کودک را تغذیه کند و پرورش دهد. دوره رضاع در واقع دوره اساسی و سرنوشت ساز برای انسان است که کودک همواره در آغوش مادر قرار دارد و از شیر جان او ارتزاق می‌کند. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مادرها داده و به مردها نداده است. این امکان را در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانیاش را به آنها داده؛ در واقع این کار هنر زن‌ها است. چنان که نیاز کودک به محبت و نوازش بدین طریق برآورده می‌شود. به همین دلیل شخص رسول الله (ص) به پدر و مادر دستور داده‌است که به فرزندان محبت ورزند: «أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم» کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید.

ب) تعدد زوجات

تعدد زوجات از مسائل مهم و قابل بحث در فقه اسلامی است که ابعاد مختلف دارد و از منظر

حضرت آیت الله محسنی هم بدور نمانده و مورد توجه جدی قرار گرفته است. ایشان در فصل هشتم زن در شریعت اسلامی مفصل به این موضوع پرداخته و ابعاد مختلف آن را بررسی کرده است. در ابتدای فصل آمده است: «درفقه اسلامی برای یک زن بیشتر از یک شوهر جائز نیست، ولی برای مرد تا چهار زن اجازه نکاح داده شده و اگر پاره ای از دولتهای مسلط بر کشورهای اسلامی آنان را منع نموده اند ربطی به نظر اسلام ندارد.» (همان، فصل ۸)

ایشان حکم جواز تعدد زوجات را حکم امضایی اسلام می داند، نه حکم تأسیسی و ایجاد. بدین معنا که قبل از اسلام چند همسری در میان ادیان و ملل گذشته وجود داشته و اسلام به دلایلی آن را تأیید کرده است. در این زمینه می فرماید: «تعدد زوجات و چند زنی را اسلام نیاورده، بلکه از قرنهای قبل تا طلوع اسلام رایج بوده است؛ چنانچه ویل دورانت در تاریخ تمدن (ویل دورانت: ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۱) و گوستاولوبون فرانسوی نیز در تاریخ تمدن (لوبون: ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۰۷) آن را بیان داشته اند و مطلب، قابل انکار هم نیست.» آیت الله بعد از بیان مفصل در زمینه عوامل تعدد زوجات و جواب از ایرادات وارده بر آنها، به عنوان نتیجه، چند همسری را قانون امضایی اسلام معرفی کرده است. (همان جا)

تحلیل تربیتی

تعدد زوجات به لحاظ تربیتی از جنبه های مختلف قابل بررسی است و تحلیلهای زیادی را برمی تابد که در این فراز از مقاله به مهم ترین آنها اشاره می شود. اصل جواز چند همسری برای مردان در فقه اسلامی مسلم و همه فقهای امامیه، از جمله آیت الله محسنی بر آن اذعان کرده اند. از جمله عوامل تجویز تعدد زوجات به نظر آیت الله که در بند نهم از این عوامل به آن اشاره کرده این است: «فزونی عدد زنان از مردان که در فرض یک زنی و منع تعدد زوجات جمعی از زنان از حق شوهر داشتن محروم می مانند و حتی باعث تباهی اخلاق جامعه می شوند» (همانجا) البته ازدواج مجدد یا چند همسری برای مردان به صورت مطلق نیست، بلکه شروطی دارد که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است. از جمله رفتار عادلانه مرد با همسران است که در این زمینه می فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (النساء/۳)؛ اگر بترسید که به عدالت نمی توانید بین همسران رفتار کنید، به یک زن اکتفا

نمایید. به نوشته آیت الله: «از این آیه به خوبی استفاده می شود که شرط جواز تعدد زوجات عدالت و عدم تبعیض میان همسران است. وقتی ترس عدالت نکردن وجود داشته باشد تعدد زوجات جایز نیست.» (همانجا)

از منظر آیت الله در موضوع چند همسری حق زنان بیشتر رعایت می شود تا حق مردان، چرا که با نظر به تحلیل ایشان از کثرت جمعیت زنان مجرد در هر زمان و اقامه شواهد بر آن، زن حق شوهر کردن دارد، در حالی که به خاطر فزونی تعداد آنها و کمیابی مرد آماده ازدواج، شوهر نصیب شان نمی شود. ایشان با نقل از کتاب «زن جنس برتر» این گونه می نویسند: «در سراسر عالم پیوسته میزان زنان آماده ازدواج بر مردان فزونی دارد.» (همان: ص ۶۹) در این صورت، حق زنان پایمال و به علت عدم ازدواج مشکلاتی متعدد اخلاقی و فرهنگی در جامعه به وجود می آید. براین اساس، بدون تعدد همسر حق شوهر کردن از زنان سلب می شود و برای دسترسی آنان به شوهر، مناسب ترین راه از منظر اسلام جواز فقهی چند همسری است، نه اشاعه فحشا و منکرات که در جوامع غربی رواج دارد. آیت الله می گوید: «حل مشکلات روانی و اقتصادی زنان یک راه بیشتر ندارد و آن قانونی نمودن تعدد زوجات است. بلی با کمال تعجب رسم تعدد زوجات قبل از اینکه به نفع مرد باشد به نفع زن است.» (همان، ص ۷۲) چون او هم صاحب شوهر می شود و هم نفقه اش از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن تأمین می گردد.

از نظر تربیتی و اخلاقی شوهر دار شدن زنان و تحت تکفل قرار گرفتن ایشان بسیار حایز اهمیت است و آثار فراوانی نیز به لحاظ فردی، خانوادگی و اجتماعی بر آن مترتب می شود. اولاً، در تعدد زوجات حفظ عفت و مصونیت زنان از بی-بندوباری است که هم برای ایشان و هم برای خانواده و جامعه مهم است. ثانیاً، به نظر آیت الله حقوق زنان با جواز چند همسری رعایت می شود: «زن مثل مرد، انسان است و حق شوهر کردن او یک حق طبیعی است، {باید} به آن احترام قائل شد و با فرض کثرت عددی زنان تعدد زوجات قهراً به عنوان حق طبیعی شوهر داشتن زن قانونی می شود.» (همانجا) ثالثاً، در صورت عدم جواز تعدد زوجات چنان که غرب گرفتار آن است، عمل فحشا و فساد اخلاقی در جامعه شیوع پیدا می-کند. به نوشته آیت الله: «روش غربی {آزادی جنسی} فحشاء و فساد اخلاقی را در میان مردان و زنان -حتی زنان شوهردار- به بار می آورد.» (همانجا) رابعاً، با تعدد زوجات نسل

مسلمان زیاد می شود و کانون گرم تربیت در خانواده ها افزایش یافته فرزندان متدین و مؤمن پرورش پیدا می کنند. خامساً، معلوم می شود که چرا اسلام تعدد زوجات را با شروطی پذیرفته است که هم حق زن و مرد در آن لحاظ شده و هم آثار تربیتی بسیاری به همراه دارد.

ج) روابط زن و شوهر

شاید مهم ترین موضوع در فقه خانواده، روابط همسران و چگونگی عمل به وظایف آن دو در محیط زناشویی است که در نحوه زندگی و استحکام نظام خانواده نقش اساسی ایفا می کند. این وظایف در فقه اسلامی مفصل بیان شده و آیت الله محسنی هم در موارد مختلف به آن اشاره کرده است. ایشان زندگی عزتمندانه و در خور شأن زن را طبق آیه شریفه حق او می داند و باید شوهر فراهم کند: «از نظر اخلاقی مرد باید با زنش به خوبی معاشرت و زندگانی نماید که قرآن در آیه ۱۹ سوره نساء می فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (همان: ص ۵۰) با زنان به طور شایسته رفتار کنید. آیت الله در فصل هفتم کتاب زن در شریعت اسلامی سه وظیفه واجب را برای زن می شمارد که عبارتند از: بیرون رفتن او در صورت منع شوهر، تمیزی بدن و پذیرش رابطه خاص زناشویی هنگام تمایل شوهر. همچنین در مقابل، چند وظیفه را به عهده شوهر بیان می دارد از قبیل: تأمین نفقه متعارف، دادن مهریه و همجواری معمول خانوادگی. (همان)

تحلیل تربیتی

روابط مشترک زن و شوهر که مهم ترین آنها رعایت حقوق طرف مقابل است، بستر مناسبی برای تحلیل تربیتی است. چه اینکه با دقت در احکام فقهی مربوط به زن و شوهر نکات تربیتی زیادی قابل دست یابی است که می توان به صورت اختصار به مهم ترین آنها اشاره کرد.

۱. تقابل وظیفه زن شوهر

تأمل در احکام زناشویی نشان می دهد که یک نوع تقابل در وظایف خانوادگی زن و شوهر مشاهده می شود، بدین ترتیب که در صورت عمل کردن زن به وظایف سه گانه سابق، حقوقی از ناحیه او به ذمه شوهر ثابت می شود. یعنی هرگاه زن به وظیفه خود عمل کرد و از همسر اطاعت نمود، آنگاه وظیفه

شوهر است که به ادای حقوق زن، یعنی نفقه و تأمین هزینه زندگی وی اقدام کند. براین اساس، زن ناشزه که در مقابل شوهر تمرد می کند، در فقه اسلامی حق نفقه بر او ندارد. چنان که آیت الله محسنی به این مطلب این گونه اشاره دارد: «نفقه زن ناشزه که حقوق واجب شوهر را مراعات نمی کند به نظر مشهور ساقط می شود. (همانجا) این تقابل، مقتضی آن است که زن و شوهر بدون منت به ادای حق دیگری بپردازند. مثلاً مرد در تأمین نفقه زن نمی تواند منتی بر زن بگذارد، چون مقابل وظیفه ای است که نسبت به شوهر انجام می دهد. به علاوه، تعهد طرفینی زن شوهر در محیط خانواده بسیار کارساز و کاربردی است و عامل تحکیم نظام خانواده می باشد.

۲. تقویت محبت

محبت اساس زندگی مشترک در فضای خانواده است و با وجود آن خانه صفا، صمیمیت و بالندگی و پویایی پیدا می کند. هرگاه روابط سالم میان مرد و زن برقرار باشد، نتیجه آن پایداری، استحکام خانواده، تربیت صحیح اولاد و آرامش روانی حاکم است. برعکس اگر روابط زن و شوهر آشفته و ناسالم بود، اوضاع خانه به هم ریخته و متزلزل و ناپایدار خواهد بود. چنان که این مطلب در خانواده خود و بسیاری از خانواده های اقوام و همسایه ها قابل درک و مشاهده است. ازاین رو، خداوند مودت و رحمت را میان زن و شوهر به تکوینی قرار داده و در این مورد می فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱) و در میان شمان زن و شوهر مودت و دحمت قرار داد. خدای رحمان این دوستی را با حمت خود میان همسران قرار داده است تا زندگی آنها روز به روز بهتر و بالنده تر و پُرثمرتر گردد.

آیت الله محسنی در کتاب زن در شریعت اسلامی جهت تقویت محبت شوهر نسبت به زن، تعهد او به احکام اسلامی را متذکر شده این طور بیان می دارد: «{زن} در تمام ابعاد زندگانی عفت و حجاب خود را حفظ کند و از دایره حیا و ادب اسلامی بیرون نرود و فراموش نکند که خانه داری و تربیت اولاد علامت عقب مانگی و پسمانی زن نیست، بلکه از مقدس ترین و مهم ترین فعالیت های پُرثمر اوست. همیشه صلاح نسل آینده در گرو تربیت مادران امروزی است.» (همان، ص ۸۷) این کلام به وظیفه شناسی و رعایت عفت و حجاب زن دارد که از آثار مهم آن جلب محبت شوهر و تقویت پیوند زناشویی است. چرا که روابط سالم زن و شوهر در خانه و تأمین نیازهای همدیگر، عامل اساسی در

ایجاد و افزایش محبت میان آن دو است.

۳. اعتماد سازی

اعتماد زن و شوهر به همدیگر و در حضور و غیاب مورد اطمینان بودن برای طرف مقابل بدون بدگمانی و دغدغه خاطر از موضوعات مهم در روابط همسران است. اعتماد زن و شوهر به همدیگر آثار تربیتی فراوانی در زندگی مشترک آن دو دارد. هرگاه همسران اعتماد کامل به یکدیگر داشته باشند، دیگر نگرانی در زندگی آنها وجود ندارد، صداقت و همدلی میان آنان حاکم است، دروغ و فریب در فضای زندگی زوجین مشاهده نمی شود، سخن همدیگر را می پذیرند و آثار متعددی از این قبیل که زندگی را به حیات طیبه قرآنی مبدل می سازد. البته اعتماد چیزی نیست که خود به خود حاصل شود، بلکه ساختنی است و هر کدام از زن و شوهر باید آن را بسازند و توجه طرف مقابل را صددرصد به خود جلب کنند. زنان در این کار، فعال تر است و با استفاده از روشهای مناسب بهتر می تواند نظر و اعتماد شوهر را به خود جذب کند. به هر صورت، اعتماد سازی مبتنی بر روابط سالم زناشویی است و اگر احیاناً رابطه زن و شوهر ناسالم باشد، طبعاً اعتمادی هم میان آن دو وجود نخواهد داشت. بنابراین، آنچه در درجه نخست اهمیت حیات خانوادگی قرار دارد، چگونگی روابط زن و شوهر است که هم زندگی ساز است و هم تربیت ساز و اعتماد ساز.

۴. مسئولیت پذیری

از آثار مهم تربیتی روابط زن و شوهر در محیط خانواده، مسئولیت پذیری آن دو در زندگی مشترک است که اداره امور خانه را آسان و مفید می سازد. وظیفه شناسی و عمل به وظیفه رابطه مستقیم با چگونگی روابط همسران در زندگی خانوادگی دارد. اگر روابط سالم برقرار بود، یقیناً هر کدام از زن و شوهر به وظیفه خود نیز به خوبی عمل می کنند، وگرنه احساس مسئولیت چندانی نخواهند کرد. چنان که این موضوع افزون بر اینکه در زندگی شخصی متاهلان قابل تجربه است، در خانواده های گرفتار اختلاف از همسایه و اقوام نیز به روشنی مشاهده می شود. روابط سالم مبتنی بر تأمین نیازهای طبیعی و روانی زن و مرد، تعهد به وظیفه و احساس مسئولیت به وجود می آورد و بدین طریق زندگی مشترک هر روز بیش از گذشته لذت آفرین و رشد یافته تر خواهد بود.

د) تحصیل زنان

از موضوعات مهم خانواده تحصیل زنان است که امروزه در افغانستان با موانعی از طرف گروههای تکفیری و افراطی مواجه است و در بسیاری از مناطق تحت سیطره آنان درب مدارس به روی نسوان بسته است. در حالی که اصل تحصیل زنان و دختران از نظر همه فقهای مسلمان و به ویژه آیت الله محسنی جایز است و هیچ منعی ندارد. ایشان در کتاب زن در شریعت اسلامی این گونه بیان می دارد: «به عقیده نگارنده محصور کردن زن در خانه و بی سواد نگهداشتن او در زمان ما، به صلاح نیست.» همین طور آیت الله در یک جمله کوتاه آورده است: «بگذارید دختران ما درس بخوانند، احکام دینی خود را یاد بگیرند.» (همان، ص ۸۹) ایشان در سخن دیگر این طور بیان داشته است: «اگر مراد از آزادی و عدالت انسانی، حفظ کرامت و شخصیت والای زن و مالکیت او و استقلال او در امور داخلی اوست و تعلّم و تحصیلات عالی و کار کردن او در ابعاد سیاسی و اجتماعی، ما از رسیدن زن به این مقامات مانعی در فقه نمی بینیم.» (همان، ص ۸۸) آنچه مربوط به موضوع بحث است، تحصیل زنان شوهر دار است که از نظر فقهی به رضایت و اجازه شوهر نیاز دارد. چرا که تحصیل مستلزم خروج از منزل است و بیرون رفتن زن از خانه به نظر آیت الله نیاز به اجازه شوهر دارد. از طرفی تحصیل در دانشگاه تمام وقت محصل را فرامی گیرد و این امر، موجب تضییع حقوق شوهر است که قطعاً باید زن رضایت او را جلب کند تا بتواند وارد تحصیل و دانشگاه شود. به نظر آیت الله: «زن بدون اذن شوهر در صورتی که حق شوهر ضایع شود، نمی-تواند روزه مستحبی بگیرد.» (همان، ص ۹۱) این تعارض در تحصیل زن به طریق اولی وجود دارد و با جلب رضایت و اجازه شوهر قابل است.

تحلیل تربیتی

تحصیل دختران بعد از ازدواج بدون رضایت و اجازه شوهر قطعاً جایز نیست و زن نمی تواند بدون اجازه مرد بیرون برود. منتهی این ممنوعیت در دو صورت قابل حل است: یکی با شرط ضمن عقد که هنگام خواندن صیغه عقد زن این شرط را بکند، بعد از ازدواج می تواند بدون اجازه شوهر به تحصیل ادامه دهد. دوم رضایت و اجازه شوهر را به دست آورد، ادامه تحصیل مشکل شرعی ندارد. در این زمینه نکات مهم تربیتی وجود دارد که به آن اشاره می شود.

۱. حساسیت شوهر نسبت به زن

بررسی تربیتی عدم جواز تحصیل زن شوهر دار بدون رضایت و اجازه شوهر نشان می دهد که شوهر معمولاً در مورد زن غیرتی و حساس است و بعد از اینکه با اجرای عقد نکاح منسوب به او شد، راضی نیست مورد چشم چرانی، طمع یا نگاه نامحرم قرار گیرد. چون او می خواهد زن مخصوص وی و در انحصار وی باشد. البته این امر، اقتضای فطرت انسانی و حق مشروع مرد است که همسرش مصونیت کامل داشته باشد و هیچ کسی نسبت به او چشم داشتی نداشته باشد. این حساسیت و غیرتمندی شوهر صفت نیکو و شایسته ای است، در صورتی که همراه با تدین، عقلانیت و اعتدال باشد، وگرنه بدون دین مداری، تفکر و عقل ورزی ممکن است در بسیاری موارد حساسیت بی جا برای شوهر مشکل آفرین گردد. چنان که بخشی از حوادث و مشکلات اجتماعی و خانوادگی ناشی از حساسیت افراطی مردان است که با غیرتی شدن مرتکب کار ناپسند می شوند. راه حل مشکل کسب رضایت شوهر و تحصیل اجازه او به وسیله زن است که راه فراگیری علم و دانش را فراهم می سازد.

۲. رشد علمی زن متعارض با حقوق شوهر

شکی نیست که دختران تا سن ازدواج اغلب مشغول تحصیل هستند و در دانشگاه به کسب علم می پردازند، ولی بعد از ازدواج زندگی مشترکی را با شخص دوم آغاز می کند که مدیریت آن از نظر فقه اسلامی در اختیار آن شخص است. در این میان ممکن است تحصیلات دختر نا تمام بوده و در سطح مورد نظرش نرسیده باشد. از طرف مقابل، با وجود شوهر دیگر آن آزادی که در خانه پدر داشت ندارد و باید شرعاً به خواسته های شوهر پاسخ گوید، این جاست که گویی یک نوع تعارضی میان رشد علمی زن و حقوق شوهر پیش می آید. در صورت تعارض اگر قابل حل نبود، می بایست به قانون الهم فالاهم عمل کرد که هم عقلانی است و هم اصولی و فقهی. اقتضای این قانون در چنین مواردی این است که به اهم عمل باید کرد و به لحاظ فقه و تربیت اسلامی، طرف اهم رعایت حق شوهر است و زن باید از تحصیل دست بردارد و به زندگی خانوادگی بپردازد. چرا که ادامه زندگی مشترک، همسر داری، خانداری که آرامش روانی و تربیت اولاد و پرورش فرزندان مسلمان و شایسته را به دنبال دارد، بسیار بهتر و برتر از ترک زندگی است. چه اینکه تربیت یک انسان وارسته ثواب بس عظیم در نزد خدای متعال دارد.

۳. شخصیت و عفت زن

مهم تر از همه توجه به شخصیت و عفت زن است که اگر تحت حمایت شوهر در منزل به اداره امور خانه و تربیت اولاد پردازد از هر گونه آسیبی مصون است؛ ولی اگر بیرون از منزل به هر کاری ولو تحصیل اشتغال پیدا کند، احتمال آسیب رسیدن به او منتفی نیست. اسلام برای شخصیت و عفت زن خیلی اهتمام قائل است و همه مسائل مربوط به ازدواج، روابط زناشویی و امثال آن در جهت حفظ شخصیت و عفت زنان است. معلوم است که حفظ شخصیت و عفت و پاکدامنی به عهده خود زن است که نباید خود را در معرض آسیب قرار دهد. از این رو، آیت الله محسنی در مورد تحصیل مختلط دختران و پسران می گوید: «درس خواندن دختران و پسران در اماکن مختلط خصوصاً در دوره دانشگاهی و حتی در صنوف ده و یازده و دوازده (دوره ثانویه) خطرات زیادی دارد و دولت اسلامی حتی به پول گرفتن از محصلات و محصلین اماکن دروس را جدا کند.» (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۲۹۰)

ایشان با انتقاد از فرهنگ غرب و استفاده ابزاری از زن در جهت تأمین منافع شخصی و اقتصادی می گوید: «بردن زن در کارخانه های تولیدی و احاله کارهای شاقه به دوش او نادیده گرفتن تحمل فیزیکی اوست که جز بدبختی زن چیزی به بار نمی آورد، و بدتر از آن بردن زن به کاباره ها و رقص خانه ها و فاحشه خانه ها به نام آزادی و تساوی حقوق و... است که کرامت انسانی زن را به هدر داده او را تاسرحد یک بازیچه شهوت و ملعبه هوسهای حیوانی مردها پائین می آورد.» (همان، ص ۸۷) از منظر تربیت اسلامی و دیدگاه آیت الله حفظ شخصیت زن از همه امور مهم تر است و تمامی مسائل مربوط به خانواده در حقیقت برای تأمین این هدف است که در منابع فقهی مورد اهتمام فقهای مسلمان قرار گرفته است. چنان فرهنگ غرب عفت و شخصیت زن را از بین برده و چیزی از آبروی زن در مغرب زمین باقی نمانده است.

ه) مسائل اجتماعی

از جمله موضوعات مهم مورد بحث در فقه اسلامی که قابل تحلیل تربیتی نیز است مسائل اجتماعی مربوط به زنان مانند کار و فعالیتهای فرهنگی، علمی، اقتصادی و مانند آن می باشد. آیت الله محسنی در ارتباط با کار زنان بیرون از منزل مشروط به حفظ عفت و رعایت حجاب این گونه بیان دارد: «کار

کردن زنان در اموری که عفت و حجاب آنان در خطر نباشد و از نظر فیزیکی مقدور و از نظر روانی برای آنان مشکل نباشد، اشکالی ندارد ولی در هر حال فرزندان در ایام کوچکی باید از تربیت و محبت مادر محروم نمانند که نسل آینده به مشکلات روانی خطرناکی مبتلا می شوند.» (محسنی: ۱۳۹۱، مساله ۲۸۷) ایشان در کلام دیگر می فرماید: «زنان در بسیاری از کارهای خود استقلال دارند و حتی شوهران حق مداخله را ندارند. زن می تواند بخرد، بفروشد، اجاره بدهد، تجارت کند، وکیل بگیرد، درس بخواند، درس بدهد، تداوی و مریضداری نماید و هكذا.» (همان، ص ۸۴)

تحلیل تربیتی

چند نکته تربیتی قابل توجه در ارتباط با مسائل اجتماعی زنان وجود دارند که از کلام آیت الله نیز به دست می آید و در این جا به اختصار به آنها اشاره می گردد.

۱. عدالت اجتماعی

نخستین نکته تربیتی در این زمینه، رعایت عدالت اجتماعی در مورد عموم مردم و به ویژه جامعه زنان است که از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد و در همه امورات زندگی باید مورد عمل قرار گیرد. اسلام در مورد زنان و کودکان عنایت خاصی دارد که نباید بر آنها ظلمی صورت گیرد و یا حقوقی از آنان پایمال شود. چرا که این دو قشر ضعیف ترین اقشار جامعه و از هر جهت مورد ترحم خدای متعال هستند. امام کاظم (ع) در روایتی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ» (کلینی: ج ۶، ص ۵۰) بی گمان، خداوند عزوجل آن گونه که به خاطر زنان و کودکان خشمگین می شود، برای چیز دیگری خشم نمی گیرد. اگر مردی زنش را بیشتر از توان جسمی او وادار به کار کند، ظلمی است در حق او و نباید این کار را بکند. چنان که آیت الله اشاره کرد که کاری فوق قدرت فیزیکی زن روا نیست بر او تحمیل شود.

۲. رعایت آموزه های اسلامی

دومین نکته تربیتی در مسائل اجتماعی زنان عمل به آموزه های دینی و اخلاقی است که در فقه اسلامی به روشنی بیان شده و نباید مورد غفلت قرار گیرد. هرگاه ورود زنان در اجتماع یا حوزه کاری و اقتصادی

موجب زیرپا گذاشتن دستورات اخلاقی و دینی باشد، جایز نیست و نباید هیچ زنی وارد چنین فضایی بشود. چه اینکه در این صورت آنچه به دست می آورد از منافع مادی به مراتب کمتر است از آنچه که از ارزشهای معنوی را از دست می دهد. چون مادیات زود از بین رفتنی است و تنها چیزی که برای انسان ماندگار است تقوا و اعمال خیر است. خداوند در قرآن می فرماید: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۷) آخرت بهتر و پایدارتر است. آنچه از درآمدها و رفتارها مربوط به زندگی آخرت باشند، ماندگار است و هرچه وابسته به دنیا و زندگی مادی باشد، از بین رفتنی است.

چنان که آیت الله حفظ حجاب اسلامی، رعایت پاکدامنی را از جمله شروط ورود زنان در مسائل اجتماعی و اقتصادی قرار داد. همچنین ایشان زنان را به همین علت از ورود و استخدام در مراکز پولیس و نظامی که احتمال عمل نشدن به آموزه های اسلامی بیشتر است برحذر داشته می گوید: «به هر حال زنان نباید در نیروی پولیس و اردو شمولیت پیدا کنند و در این مورد داستانهای تکان دهنده ای وجود دارد.» (محسنی: ۱۳۹۱، مساله ۲۸۷) همچنین آیت الله در جای دیگر می گوید: «به هر حال از نظر فقهی - بنا بر قول صحیح - جایز است که زن در اجتماعات سخنرانی کند و گوش دادن مردان به صدای زن - در صورتی که مهیج شهوت نباشد - مانعی ندارد.» (همان، ص ۷۹)

۳. توجه به تربیت اولاد

نکته مهم تربیتی در اشتغال زنان به مسائل اجتماعی و بیرون از خانه تربیت اولاد است که اگر زن وقتش را در خارج از منزل سپری کند ممکن است آسیبی به تربیت فرزندان وارد شود و این کار به هیچ وجه به مصلحت فرد، خانواده و جامعه نیست. به این دلیل که آنچه در تربیت صحیح اولاد نیاز است، خداوند به زنان عطا کرده، از قبیل عواطف و احساسات، رقت قلب و دلسوزی، مهر و محبت، صبر و بردباری، منبع تغذیه و راه و رسم فرزند پروری که در مردان وجود ندارد و اگر باشد هم بسیار اندک. مادران باید این نعمتهای الهی را در مسیری که خواست خداست بایستی به کارگیرد که همان پرورش درست اولاد است. هرگاه زن به مسائل اجتماعی وارد شود، هم باید از تربیت فرزند، همسر داری و شوهر داری که وظیف اصلی اوست، نباید غفلت کند. بر عکس اگر فعالیت زن در امور اجتماعی مانعی تربیت صحیح فرزندان شود یا آسیبی از این ناحیه به آنها برسد، یقیناً جایز نیست و هیچ منفعتی

با تربیت صحیح اولاد برابری نمی تواند. آیت الله محسنی در اهمیت تربیت با استناد به روایتی می گوید: «در حدیثی آمده است: هر کس کسی را از گمراهی به هدایت و صلاح بیرون برد، گویا او را زنده گردانیده است.» (محسنی: ۱۳۸۱، ص ۴۹)

نتیجه گیری

آنچه در این مقاله گفته شد، پاسخهای سوالهای مطرح شده در ابتدای مقاله به خوبی داده شد و علاوه بر آن به نکاتی رهنمون گردید که در احکام فقهی زنان و خانواده باید مورد توجه قرار گیرد و به تحلیل تربیتی آنها اهتمام ورزد. این نکات با استفاده از اعداد و ارقام به عنوان نتایج نهایی به شرح زیر ارائه می گردد.

۱. احکام فقهی زن و خانواده مرتبط به هم هستند و به آسانی نمی توان آن دو را مصداقاً از هم جدا کرد و بر این اساس در این مقاله کنارهم موضوع بررسی قرار گرفت.

۲. دیدگاه اعتدالی از میان سه دیدگاه طرح شده در این مقاله موافق با نظریات آیت الله محسنی در فقه زن و خانواده است و دو دیدگاه تقریظی (فیمینستی) و افراطی بدور از اسلام و قرآن می باشند.

۳. تفاوت های زن و مرد عامل تشکیل خانواده در فقه اسلامی است که زمینه ساز تربیت اولاد و خیر و برکت فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

۴. روابط زن و شوهر از نظر فقه خانواده دارای اهمیت ویژه است و تأثیر فروانی در تحکیم پیوند زناشویی و استحکام نظام زندگی مشترک دارد.

۵. موضوع چند همسری از نظر اسلام با شروطی جایز است و آیت الله محسنی نیز بر جواز آن برای مردان فتوا داده که آثار تربیتی متعددی برای زنان و اجتماع دارد.

۶. تحصیل زنان شوهر دار اگر متعارض با تربیت اولاد و متزاحم با حقوق شوهر نباشد، با رضایت و اجازه شوهر مانعی ندارد.

۷. ورود زنان شوهر دار به مسائل سیاسی و اجتماعی اگر آسیبی به تربیت اولاد و حقوق شوهر نرساند اشکال ندارد.

۸. به طور خلاصه به نظر آیت الله: دین اسلام با پروگرام جامع و برنامه همه جانبه، تمام روابط

اجتماعی را به طور دقیق مورد عنایت قرار داده است و از تضعیف یا نابودی این روابط جلوگیری به عمل آورده است و به آنچه که به تحکیم و تقویت این روابط کمک می کند دستور داده است و ثوابهای اخروی زیادی برای انجام آنها مد نظر قرار داده است. (محسنی: ۱۳۸۱، ص ۵۶)

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین، ۱۳۷۸.
- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۱.
- آربلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۶۷.
- آیت الله محسنی، محمد آصف، توضیح المسائل سیاسی، کابل، مسلکی افغان، ۱۳۹۱.
- آیت الله محسنی، محمد آصف، رساله روابط اجتماعی در اسلام، کابل، ۱۳۸۱.
- آیت الله محسنی، محمد آصف، زن در شریعت اسلامی، کابل، حوزه علمیه خاتم النبیین، ۱۳۹۱.
- آیت الله محسنی، محمد آصف، فوائد دین در زندگانی، کابل، مطبعه بلخ، ۱۳۵۱.
- اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تحقیق و نگارش سید نتقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۱.
- اعرافی، علیرضا، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، نگارش سید نقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
- اعزاز، شهلا، جامعه شناسی خانواده، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹.
- تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم، مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴.
- جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵.
- الحر العاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- د. وهبة الزحیلی، الاسرة المسلمة فی العالم المعاصر، مصر، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- الراغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: عدنان صفوان داوودی، قم، طلیعه نور، ۱۴۲۶ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، دارالحجّة، ۱۴۲۱ق.
- فرجاد، محمدحسین، آسیب شناسی اجتماعی خانواده و طلاق، انتشارات منصوری، ۱۳۷۲.

- الفيض الكاشاني، المحسن، **المحجة البيضاء في تهذيب الإحياء** قم، جامعه المدرسين، ۱۳۸۳ق
- القصير، عبد القادر، **الاسرة المتغيرة في المجتمع المدينة العربية**، بيروت، دار النهضة العربية، ۱۹۹۹م.
- گرجی، ابوالقاسم، **تاریخ فقه و فقهاء**، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- لویون، گوستاو، **تمدن اسلام و عرب**، ترجمه: محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
- محمدي ریشهري، محمد، **میزان الحکمه**، ترجمه: محمد رضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۵.
- مطهری، مرتضی، **آشنایی با علوم اسلامی**، فقه، قم، صدرا، بی تا.
- موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (ع)، قم، موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
- مولوی حقانی، حفیظ الله، **طالبان**، ترجمه: رحیم الله صافی، کابل، بیناد نشرات حقیقت، ۱۳۷۷.
- نجفی، محمد حسین، **جواهر الکلام**، تهران، المكتبة الاسلامية، ۱۳۶۶.
- ویل دورانت و آرنست دورانت، **تاریخ تمدن**، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- هندی، علاء الدین، **کنز العمال**، تحقیق: شیخ بکر حیانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.